

منشکر ۹۶

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱ مهر ۱۳۹۰
۲۳ سپتامبر ۲۰۱۱



ثریا شهابی

عضویت دولت

فلسطین در

سازمان ملل

مقاومت "جهان متمدن"

منتها است کنار زدن چشم بندهایی که عمری است دستگاه شتیک و تمیز دموکراسی غربی" و سازمان ملل و کمیسیون "حقوق بشر" آن بر چشمان جهانیان زده است، به کار آگاهگرانه ای احتیاج ندارد. ریاکاری عیان رنمای این دستگاه مافیایی، چنان آشکار و وقیح عمل میکند، که شخصیت های ریز و درشت، محبوب و منفور این کلپ حقه بازان جهان را تماما لخت و عور در صحنه و در مقابل چشمان جهانیان قرار داده است.

طرح محمود عباس رهبر تشکیلات خودگردان فلسطینی، برای درخواست عضویت در سازمان ملل بعنوان کشور مستقل فلسطین، در نطفه و بلاواسطه با مخالفت رسمی و شدید، اوباما، دول اروپایی و البته اسرائیل، مواجه شد. "قهرمانان و ناجیان" بن قاضی و لیبی، این شوالیه های "حقوق بشری" مسلح به مخرب ترین اسلحه های سرد و گرم، و مجهز به بمب و موشک و تحریم و تخریب، ناگهان مخالف تشکیل سراسر است و مستقیم دولت مستقل فلسطین میشوند. امر میکنند که باید اول مذاکرات صلح آمیز دولت اسرائیل و دولت خودگردان

صفحه ۴

حزب حکمتیست اول مهر، زنده باد آزادی، زنده باد برابری!

چند روز دیگر میلیونها دانشجو و دانش آموز، دور جدید تحصیلات خود را آغاز میکنند. میلیونها جوان راهی مدارس و دانشگاهها میشوند، و همزمان خود را برای نوره ای دیگر از جدال با حاکمیت و مقررات و ضوابط توهین آمیز و متعفن اسلامی آن در محیطهای آموزشی، آماده میکنند.

مراکز تحصیلی و خصوصا دانشگاهها، همواره مرکز جدال نسل جوان به بی حقوقی، استبداد، فضای تنگ سیاسی،

رحمان حسین زاده

سناریوی لیبی، ناتو و ناسیونالیسم کرد

میزان الحراره امید و نامیدیهای احزاب و جریانات بورژوا ناسیونالیست کرد را موفقیتها و یا ناکامیهای آمریکا و پنتاگون و دول غربی و ناتو در لشکرکشیهای نظامی به کشورهای مختلف نشان میدهد. از جمله در دو دهه اخیر جنگ و دخالت نظامی آمریکا و غرب در عراق، بالکان، افغانستان و اکنون لیبی مصداق روشن این پییده است. در پیروزی و با شکست نظامی دول فخریه شریکند. در عراق به لشکر پیاده نظم ارتش آمریکا تبدیل شده و البته در سایه آن به قدرت رسیدند. ناسیونالیستها در کردستان ایران هم بیش از دو دهه است با آرزوی تکرار این

خالد حاج محمدی

"برای پایان دادن به اشغال و نژاد پرستی"

(در حاشیه بیانیه ۱۸ جریان فلسطینی - اسرائیلی)

در ۱۴ ماه جولای دختر ۲۵ ساله اسرائیلی در اعتراض به هزینه بالای مسکن در مرکز تل آویو، چادری زد که از جانب مردم این شهر وسیعا مورد حمایت قرار گرفت. بدنبال اعتراضات

کمیته کردستان حزب حکمتیست

تشنجات در اردوگاه نظامی

سازمان زحمتگشان

در روزهای گذشته در اردوگاه مرکزی سازمان زحمتگشان با مسئولیت عمر ایلختی زاده، بهرام رضایی (یکی از گروههایی که به نام کومه له فعالیت

صفحه ۴

کانون اعتراض به تحقیر و لگدمال شدن حرمت انسانی مردم، و مرکز تعرض به بی عدالتی در جامعه بوده است. نسلی که در دنیای ارتباطات

سریع قرن ۲۱ و دنیای "ایست دیجیتال" انتظاراتش از زندگی کمتر از توقعات جوان آلمانی و فرانسوی و انگلیسی نیست. نسل جوان

ایران، حاکمیت جمهوری اسلامی و سطره یک استبداد قرون وسطایی به شرایط رشد، زندگی و آموزشش، را با گروشت و پوست و خون تجربه کرده است. این نسل، نسل معترض، شجاع و بلند پروازی است که در مقابل خود آینده ای مبهم و پتک بیکاری برای پذیرش هرنوع کار شاق و بی حقوقی راه، به عیان می



ببند. می ببند که در مقابل دوستان فارغ التحصیل خود، چه آینده مبهم و بی تاملینی قرار گرفته است.

جوانان در ایران، بعلاوه در همین دوران، شاهد نقش مهم هم نسلهای خود در میدان تحریر در مصر، و در انقلاب تونس، بوده اند. این نسل علیرغم

صفحه ۲

علیه ایران را انتخاب کرده، بهانه پرونده هسته ای توسط غرب دوباره روی میز قرار گرفته و تونی بلر جانی و طراح در جنگ عراق و افغانستان یکپه به یاد آورده، که "ایران خطرناکتر" است.

صرفظرازا اینکه در کشور ایران با موقعیت ژئوپولوتیکی بسیار متفاوت از لیبی چه اندازه تکرار چنین پروژه سیاه و ارتجاعی ممکن باشد یا نه؟ که جای تردید جدی دارد، همین اندک اشاره سران غربی، تا این لحظه احساسات و سببیتی ارتجاعی بخشی از اپوزیسیون راست و چپ بورژوازی ایران را به همراه داشته است. برخی از ناسیونالیستهای ایرانی و کرد، فدرالیست چی ها و قوم گراهای سناریو سیاهی همیشه آماده باش در خدمت پادویی ناتو و پنتاگون بی ابهام دوباره به صف شده اند. از

صفحه ۳



۱۸ انجمن، حزب، گروه، اتحادیه و... اسرائیلی و فلسطینی با عنوان "با هم برای پایان دادن به اشغال و نژادپرستی" منتشر شده است که حائز اهمیت است. گروههای اسرائیلی - فلسطینی با

برسمیت شناختن دولت فلسطین و محکوم کردن اشغال و کتار مردم فلسطین، پرچم همسرنوشتی مردم محروم در اسرائیل و فلسطین را برداشته اند و این اتفاق حرکتی مثبت و

صفحه ۴

بستگان ساکنین این اردوگاه بوجود آورده است. در رابطه با این واقعه توجه همگان را به نکات زیر جلب میکنیم:

صفحه ۲

تصمیم به اعتصاب عمومی

دست رد به سینه لیدر حزب

کارگر

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اول مهر، زنده باد آزادی...

همه سرکوبها و بگیر و ببندهای حکومت و اوباش آن در مدارس و دانشگاهها، تسلیم نشده است. به قدرت خود امیدوار است. تاریخ چند دهه گذشته مبارزات مردم ایران، شاهد جنگ و جدل هرروزه نسل جوانی بوده است، که قوانین مذهبی و استبدادی ایران را قبول نکرده است، به جداسازیها و آپارتاید جنسی تن نداده است، و مبارزه علیه اختناق استبداد، جزئی از تاریخ زندگی اش است.

بازگشتی مراکز تحصیلی و خصوصاً دانشگاهها برای جمهوری اسلامی هم کابوسی است. برای مقابله با این نسل جوان، که در دوره تحصیلی امکان جمع شدن، متحد شدن، بحث و تبادل نظر پیدا میکند، و میتواند با هم و متشکل مبارزه کند، دستگاه امنیتی و اطلاعات و... حاکمیت هم به میدان خواهد آمد. دستگاه سرکوب و مراکز پلیسی و امنیتی، همراه خیل جیره خواران و مبلغین و مرتجعین اجیر شده آن، نیز بسیج میشوند. تا دیوار شکسته ارتجاع و استبداد را در مقابل تعرض جوانان، ترمیم کنند. دیواری که اساساً توسط تجربه دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب ترک برداشت. باز با بازگشتی مدارس نهادهای سرکوبگر به میدان میبندد تا از قوانین اسلامی متعفن عصر عتیق شان، در مقابل تعرض آزادیخواهان نسل جوان دفاع کنند.

نقش تاریخی نسل جوان ضد جمهوری اسلامی در سالهای اخیر، عروج جنبش برابری طلبی در دانشگاه، و به اهتزاز درآمدن پرچم جنبش انسانی، مدرن و برابری طلبانه آن به رهبری دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب، رابطه نسل

جوان با حاکمیت و با همه طیف های ارتجاعی را تغییر داد.

رهبری جوانان کمونیست و مدرن در دل اعتراضات سراسری در دانشگاهها، تجربه و جنبش "داب"، بیش از هر زمانی اعتبار دانشگاه و نسل جوان را در ذهنیت جامعه تقویت کرد. رویدادی که به همان میزان صف ارتجاع را با نگرانی روبرو کرد. امروز، و با بازگشتی مدارس و دانشگاهها، نگاهها یک بار دیگر به سمت دانشگاه و به نقش نسل جوان آزادیخواه دوخته میشود.

عروج جنبش برابری طلبانه نسل جوان در دانشگاه، شکل گرفتن انواع محافل و جمعهای کمونیست، تشکیل جمعهای بحث و تبادل نظر و کلپتال خوانی در مراکز تحصیلی، انتشار انواع نشریات چپ و مارکسیستی، ایجاد اتحادی وسیع در میان دهها هزار جوان آزادیخواه زیر چتر دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب، با شعارها و مطالبات انسانی چون دانشگاه پادگان نیست، آزادی و برابری، برابری زن و مرد، آزادیهای سیاسی، حق تشکل و اعتصاب و اعتراض، بیمه بیکاری و دهها مطالبه انسانی دیگر، جایگاه مهم نسل جوان آزادیخواه و کمونیست را در ذهنیت مردم و در روانشناسی جامعه، حک کرده است.

هر چند یورش مراکز پلیسی و اطلاعاتی، در حمایت ارتجاعی صنفی از جریانهای مذهبی تا لیبرال - چپ ناسیونالیستی، به این جنبش عقب نشینی های موقتی تحمیل کرد، اما نقش آن جنبش، کالیبر رهبری آن، و تجارب گرانبهای فعالیت و انعکاس وسیع آن در سراسر ایران، از ذهن کسی پاک نشده

جوان با حاکمیت و با همه طیف های ارتجاعی را تغییر داد.

امروز بار دیگر در شروع سال تحصیلی جدید، آن تجارب، آن توقعات و آن فعالیتها، باید مبنای کار و فعالیت نسل جدیدی قرار گیرد که برای دفاع از حرمت انسانی خود، برای دفاع از یک زندگی شایسته بشر، و برای دستیابی به توقعات خود، جز مسلح شدن به همان افکار و همان عقاید، راهی ندارد. جز دفاع از همان ایدها و استفاده از همان تجربه گرانبها، راهی ندارد. تحمیل آن عقب نشینی به جنبش برابری طلبانه در دوره ای معین و موقتی بود. آن سرکوبها اما نمی تواند امیال انسانی نسلی که امروز به مدارس راه پیدا میکند را دفن کند.

دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب! جوانان کمونیست!

امروز بیش از همیشه نقش ارزشمند شما، در دفاع از انسانیت و برابری، عیان است. مردم ایران دست بالا پیدا کردن همه جنبشهای مختلف از اسلامی و سبز و لیبرال تا ناسیونالیست را تجربه کرده است و شما را هم دیده است. و هنوز افتخاری که عروج جنبش برابری طلبانه در دانشگاه با قامت بلند و مدرن آن، برای همگان آفرید، از اذهان پاک نشده و فراموش نشده است. هنوز جامعه ایران، زن و مردم متمدن آن، آرزو و اشتیاق دارند که یک بار دیگر جنبش برابری طلبانه نسل جوان در دانشگاهها قد علم کند! و جریانهای ارتجاعی را به حاشیه براند! هنوز طبقه کارگر ایران، جنبش برابری حق زن و صف آزادیخواهی در آن جامعه، به عروج دوباره جوانان کمونیست و برافراشته شدن پرچم آزادیخواهی و برابری طلبی، امیدوار

است! نقش افتخار آمیز جوانان کمونیست در چند سال گذشته، همبستگی و سمپاتی عمیق به آن، هنوز هم در قلوب میلیونها انسان جاری است. عروج دوباره صف مستقل نسل جوان آزادیخواه، همچنان بر نوش کمونیستهای جوان در دانشگاهها است.

بار دیگر باید با چشمان باز آن تاریخ را، مرور کرد. بار دیگر باید تجارب گرانبهای گذشته درخشان جنبش دانشجویی را بکار برد و به پیش رفت! بار دیگر باید کمونیستها در دانشگاه، در کمیته ها، و محافل و جمعهای کمونیستی، متحد شوند و محور تحرک نسلی که امروز به مدارس راه پیدا بردن خودآگاهی نسل جدیدی از جوانانی شوند، که امروز به دانشگاهها راه یافته اند، کسلی که تشنه کسب آگاهی و آزادیخواهی هستند!

جامعه به دانشگاه چشم دوخته است. کمونیستها، فعالین آگاه و دلسوز، کمونیست نسل جوان، با اتحاد خود، امکان اشاعه کمونیسم، امکان آوری جوانان به کمونیسم و امکان اتحاد وسیع را حول پرچم برابری طلبی ممکن میکنند. حاشیه ای کردن جریانهای ارتجاعی از سبز و لیبرال تا ناسیونالیستی، و ایجاد صنفی متحد و مدرن در مقابل جمهوری اسلامی، در گرو پیشروی و شکل گرفتن دوباره و نقشه مند صف کمونیستها در دانشگاه و ایجاد اتحاد نسل جوان حول آزادی و برابری است. و این کار، همچنان کار فعالین کمونیست دردانشگاه است.

زنده باد آزادی و برابری

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۳۱ شهریور ۱۳۸۹ - ۲۲ سپتامبر

تعرض کند. ما به عنوان کمونیستهای متشکل در تشکیلات کردستان حزب حکمتیست و سازنده تاریخ کومه له ای که کمونیست بود، به جمهوری اسلامی و سازمان اطلاعاتش اعلام میکنیم، کورخوانده اند، هیچ درجه از اعمال غیر مسئولانه و ارتجاعی و کثافتکاریهای به اصطلاح "کومه له های" تحت مسئولیت امثال بهرام رضاییها، عمر ایلیخانی زاده ها، رضا کعبی ها، عبدالله مهتیبها و عبه دلیرها نمیتواند دستاویزحمله به تاریخ کمونیستی کومه له و به تاریخ کمونیسم و آزادیخواهی در جامعه کردستان باشد. آن تاریخ پر افتخار و تداوم مبارزات کمونیستی عجیب شده تر با سرنوشت کارگر و انسان درد مند و ضد ستم جامعه کردستان است که با ترفندها و وبلاگهای کذابی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی خندشه بخورد. ما کارگران و مردم آگاه جامعه کردستان بیش از پیش با مبارزه قاطعانه عوامفریبیها و توطئه های جمهوری اسلامی علیه کمونیستها و صف آزادیخواهی و مردم را ناکم

تشنجات در اردوگاه

۱- اولین بار نیست که تشنج و درگیری نظامی در میان گروههای مسلحی که به نام "کومه له" از سال ۲۰۰۰ از سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه له) جدا شده اند، اتفاق میافتد. چهار سال قبل در جریان جدایی همین گروه "سازمان زحمتکشان" با مسئولیت عمر ایلیخانی زاده، از گروه "سازمان انقلابی زحمتکشان" با مسئولیت عبدالله مهدی کار به زد و خورد فیزیکی و تشنج نظامی در میان افراد مسلح دو طرف کشید. آنزمان هم نیروهای امنیتی شهر سلیمانیه برای جلوگیری از درگیری نظامی در اردوگاه نظامی آنها مستقر شدند. اکنون بار دیگر همان سناریو تکرار شده است. این رویدادها این واقعیت را تاکید میکند، که ما بارها تاکید کردیم، که سازمان زحمتکشان و شاخه های مختلف آن، نه سازمان سیاسی بلکه دارودسته های مسلح قوم پرست موجب بگیر و سرگردانه بگیر و ماجراجویی هستند که تنها به یمن

شکاف دولتها و جریانهای ناسیونالیست کرد در منطقه سرهم بندی شده و موجودیت پیدا کرده اند. اینها دارودسته های سناریوسپاهی هستند که ظرفیت ایجاد مزاحمت برای جامعه و مبارزات مردم و صف آزادیخواه را دارند. دستن بردن آنها به اسلحه و تشنج نظامی در میان صفوف خود شاهدهی بر این مدعا است. در نتیجه تا زمانیکه خطر درگیری نظامی و تشنج در میان آنها وجود دارد، مسئولیت امنیت و زندگی افراد این گروه بر عهده احزاب حاکم در منطقه است.

۲- ماجراجوییهای نظامی شاخه های مختلف سازمان زحمتکشان که تحت نام کومه له فعالیت میکنند و تشنجات و زدو خوردهای درونی آنها و دیگر اعمال زشت آنها همچون مورد اخیر این فرصت را فراهم کرده تا سازمان کثیف اطلاعات جمهوری اسلامی در کمال وقاحت به کل تاریخ کومه له و از جمله دهه اول فعالیت علنی آن به مثابه سازمان کمونیستی مسلح مدافع حقوق کارگر و مردم در جامعه کردستان

کمیته کردستان حزب حکمتیست

بیست و نهم شهریور ۱۳۹۰

بیستم سپتامبر ۲۰۱۱

سناریوی لیبی، ناتو و ...

طبقه کارگر و مردم برای جارو کردن بساط حاکمیت بورژوازی و جنایتکارانه جمهوری اسلامی سیاست انتظار و بی اراده کردن جامعه و مردم تبلیغ میشود. این مخاطرات را از هم اکنون باید جدی گرفت و خنثی کرد.

ضرورت تقابل جدی با پروژه سیاه ناسیونالیسم کرد

جریانات ناسیونالیست کرد بخش موثر و فعاله زمینه سازی برای اجرای سناریوی لیبی در ایران هستند. آماده اند تحت پوشش مباران جنگنده های ناتو "کردستان" را "آزاد" کنند و منطقه پلگامی برای "نولت در تبعید و شورای انتقالی احتمالی" متشکل از اپوزیسیون ارتجاعی درست کنند. برای شریک شدن در قدرت و به عهده گرفتن اداره امور در کردستان حاضرند به سیاهی لشکر هر نقشه ارتجاعی علیه جامعه و مردم تبدیل شوند. نقش مخرب آنها را باید جدی گرفت. در مقابل آنها کمونیستها و جنبش آزادیخواهی در کردستان باید جنبش خودآگاه و متحد و متشکل طبقه کارگر و مردم معترض را به میدان بکشند. قدم به قدم با پروژه های سیاه و ضد مردمی این جریانات مقابله کنند.

اراده مردم را برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تأمین آزادی و برابری احیا و سازمان دهند. مانع تبدیل کردستان به پایگاه ارتجاع و بر عکس همانند دوران انقلاب ۵۷ و سالهای بعد آن جامعه کردستان را به پایگاه انقلاب و آزادیخواهی تبدیل کنند. قدرت کمونیسم و پیشینه، سابقه و تجربه کمونیستها و پتانسیل بالای صف آزادیخواهی و برابری طلبی موجود در جامعه کردستان باید سازمانیافته و درم تنیده آماده نبرد با کل ارتجاع سازمان یابد. رهبران کمونیست شناخته شده این جامعه و کمونیستهای متشکل در حزب حکمتیست و تشکیلات کردستان آن در این راستا وظیفه سنگین و تعیین کننده بر عهده دارند. بسیج افکار عمومی علیه وعده سناریوی لیبی و امید به دخالت ناتو، مقابله قاطع با جریانات ناسیونالیستی و نقشه های شوم آنها و تشدید مبارزه علیه جمهوری اسلامی، به هم بافتن پتانسیل جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در کردستان علیه وضع موجود و نقشه های همه جریانات ارتجاعی، متکی کردن مردم به نیروی دفاع از خود گارد آزادی و گسترش آن در هر شهر و محله ای از محورهای تعیین کننده سیاست فعال در برخورد به وضعیت جدید است.

مخاطرات سناریوی لیبی جدی است

سناریوی لیبی محدود به بعد نظامی مسئله نیست. از فضا سازی سیاسی و آماده سازی افکار عمومی تا مرحله اقدامات نظامی، پروژه ای ضد انسانی و مخربی است که علیه منافع مردم جاری میشود. مخاطرات سیاسی این پروژه در سطح جهانی، منطقه و مشخصا ایران به همت منبای نوکر و اپوزیسیون دل بسته به آن شروع شده است. کنترل خیزش و اعتراض بر حق و توده ای مردم و کانالیزه کردن آن در جهت به قدرت رساندن ارتجاع دیگری در لیبی، تخریب زیر ساختهای اقتصادی و به هم زدن شیرازه آن جامعه و رها شدن آن در میان جدالهای قومی و قبیله ای و آینده تاریک به عنوان "الگوی موفق ناتوی نجات بخش" به مردم جهان و به مردم ایران هم حقه میشود. اپوزیسیون بورژوازی و جریانات ارتجاعی در ایران امید به سناریوی سیاه ناتو و غرب را مستمرا در جامعه تزریق میکنند. در تقابل با به میدان آمدن اراده آگاهانه و سازمانیافته

تصمیم به اعتصاب عمومی دست رد به سینه لیدر حزب کارگر

"ما درباره یک روز دست از کار کشین و اندکی اعتراض به وضع موجود حرف نمی زنیم. ما درباره اعتراضی طولانی تر و محکم تر حرف می زنیم" بخشی از سخنان بریان استراتون از اتحادیه کارگری جی ام بی (اتحادیه عمومی کارگران) در کنفرانس سالانه کنگره اتحادیه کارگری.

روزهای ۱۳ و ۱۴ سپتامبر TUC "کنگره اتحادیه های کارگری" بریتانیا در لندن کنفرانس سالانه خود را با شرکت اتحادیه های عمده بریتانیا که عضو این تشکل سراسری میباشند، برگزار نمود. سیاستهای اقتصادی دولت و حمله به حقوق بازنشستگی و افزایش سرسام آور بیکاری در این کشور و هزار و یک مصیبت دیگر که گریبان طبقه کارگر و ارتش نخیره کار و خانواده هایشان را گرفته است، موضوعات مورد بحث کنفرانس بودند.

کنگره اتحادیه های کارگری تصمیم به یک اعتصاب قدرتمند در سی ام نوامبر سال جاری گرفتند. این تصمیم با موافقت هیات رئیسه کنگره اتحادیه های کارگری نیز قوت بیشتری یافت. اتحادیه های (آتش نشانان، یونیسون، یونایت و جی ام بی) چهار اتحادیه قوی بریتانیا هستند. بنابر این تصمیم تعداد دیگری از اتحادیه ها نیز از جمله اتحادیه معلمان تصمیم به اعتصاب گرفته است. دولت قصد دارد از ماه آوریل سال آینده سهم کارکنان را در پرداخت حق بازنشستگی افزایش دهد، این در حالی است که میزان دستمزدها در بخش عمومی (کارکنان دولت و نهاد های وابسته) را کم مانده است و دورنمایی برای افزایش آن دیده نمیشود.

روز اول کنفرانس طبق معمول لیدر حزب کارگر بریتانیا در کنفرانس سالانه کنگره اتحادیه های کارگری سخنرانی میکند. اینبار جناب "اد میلیبند" خوش اقبال نبود و دیگر نه تنها لقب "اد سرخ" را با خود پیک نکشید، بلکه به دلیل مخالفتش با اعتصاب سراسری کارگران برای دفاع از حقوقشان، موجب تمسخر و هو کردن هم شد. این برخورد نمایندگان حاضر در کنگره جزء محدود برخوردهایی بوده است که تاکنون به رهبران حزب کارگر بعنوان جناح چپ بورژوازی که سستا مورد حمایت رسمی و ضمنی

اتحادیه های کارگری بریتانیا بوده اند، شده است و در نوع خود کم نظیر بود. این شیوه دست رد زدن به سینه فرد اول حزب کارگر بیاتگر گسستی ولو ضعیف با جناح چپ بورژوازی حاکم است و دلالت و ریشه در بحرانی دارد که بنابر بحران اقتصادی چند سال گذشته دامنگیر جهان شده است. از طرف دیگر درسی است که اتحادیه های کارگری از مبارزات آزادیخواهانه مردم تونس و مصر گرفته اند. انعکاس و تاثیر تحولات در میدان تحریر قاهره در ر پلاکارتهایی که بر دوش کارگران و دانشجویان معترض در ماه های اول سال جاری در خیابانهای بریتانیا حمل میشد و بر عزم طبقه کارگر انگلیس و فشار آنان بر رهبران اتحادیه ها میتوان دید. اعلام اعتصاب عمومی جوابی است به سیاستهای ارتجاعی دولت ضد کارگری کامرون و نیک کلیک به طبقه کارگر بریتانیا و جنگ تمام عیاری که دولت الترا راست حاکم به اقبال کم درآمد این جامعه تحمیل کرده است. طبقه کارگر بریتانیا راهی جز مبارزه سرسختانه و قاطعانه را ندارند.

تشیلات بریتانیای حزب حکمتیست به اتحادیه های کارگری به خاطر تصمیم شجاعانه شان درود میفرستد و خود را در این مبارزات شریک میدانیم. به این امید که تصمیمات جدی اتخاذ شده در کنفرانس امسال نقطه عطف جدیدی در مبارزه طبقه کارگر متشکل علیه بورژوازی بریتانیا باشد.

زندگیاد اتحاد طبقاتی کارگران
زندگیاد حکومت کارگری
تشیلات بریتانیا حزب کمونیست
کارگری ایران - حکمتیست

تلویزیون پرتو

تلویزیون پرتو روزهای جمعه ساعت ۶ تا ۷ بعد از ظهر به وقت تهران از کانال KBC روی ماهواره هات برد پخش میشود.

فرکانس پخش

HOTBIRD
DL freq.: 11604 Ghz
FEC: 5/6
Pol.: H
SR: 27500
HB: 8
TP: 155

مرگ بر جمهوری اسلامی!

عضویت دولت فلسطین در ...

به نتیجه برسد، و پس از نتایج آن مسئله رسمیت دولت مستقل فلسطین در سازمان ملل، طرح شود.

اتفاقی چون مسئله تشکیل دولت فلسطین و به رسمیت شناسی موجودیتش در کنار دولت اسرائیل، هنگامی که یک اقدام جدی برای پایان دادن به یک فاجعه انسانی مزمین تاریخی مطرح میشود، جهات پوچی ادعاهای آمریکا و اروپا در "علاقتمندان" به حل مسئله فلسطین را می بینند. و مشاهده میکند که چگونه هنگامی که قرار است این مسئله، مستقیم و سرراست به همان شیوه سازمان ملل و بازی های دیپلماتیک آن، و در همان کریورهایی که در آن برای تصمیم حمله به عراق و تحریم بستن راه غذا و دارو رسانی به میلیونها کودک عراقی کمترین معضلی ندارند،

فلسطین که کمترین حقوق انسانی و ابتدایی شهروندی شان در جهان سرتاپا متکی بر بی عدالتی نقض شده است، در فضایی تحت کنترل آمریکا و اروپا "مذاکره صلح آمیز و عادلانه" صورت دهند! مذاکره ای که یک طرف آن، فلسطینیان اند که بعنوان مستاجر و "پشت در"، در انتظار الطاف دول اسرائیل و آمریکا و اروپا، باید تا اطلاع ثانوی به انتظار مرحمت این اوباش گردن کلفت، دست به سینه نبنشینند! اسرائیل دولت صاحب تسلیحات اتمی، دست به خمپاره و بمباران و قادر به قطع آب و غذا و دار مردم غزه، یک پای مذاکره باشد. و فلسطینیان بدون دولت و بدون عضویت در باشگاه دول جهان، به انتظار نتایج "عادلانه" این توازن قوا نبنشینند و چند نسل دیگر قربانی شود. و نام این سناریو را هم راه حل "غیرخشونت آمیز"، میگذارند.

چگونه در چنین راهی مسئله رسمیت یافتن دولت مستقل فلسطین به تخت سینه مخالفت صریح آمریکا و اروپا میخورد. مردم می بینند، که چگونه سران دول غربی قادر نیستند منفعت شان در باز ماندن سر زخم تاریخی بی سرزمینی و بی دولتی مردم فلسطین را پنهان کنند. و چگونه دول آمریکا و اروپایی قادر نیستند، سودشان در تداوم یافتن فضای نفرت قومی بین اعراب و مردم اسرائیل را پنهان کنند. هنگامی که قرار است کسلی بیرون از دایره روشای قبیله "سروران" جهان، و یا مستقل از گمناشتگانی چون دولت عربستان سعودی، برای حل این معضل تاریخی مبتکر اقدامی شود، مردم چهره بدون ماسک و بزک کلید داران "دمکراسی"، سران دول فلچماق و ریاکار آمریکا و اروپا را تمام قد می بینند.

خود میگویند که وقتی پرده دیپلماسی و معرکه گیری "حقوق بشری" کنار میرود، بین اوپاما "محبوب" و قهرمان "دمکراسی غربی" با نتانیاهو منفور و فاشیست، تفاوتی وجود ندارد. مردم جهان این ها را می شناسند. وقاحت دول معظم غربی، نه بر ناآگاهی مردم که بر احساس بی آلترناتیوی آنها سوار است. طرح مسئله دولت مستقل فلسطین در اجلاس اخیر سازمان ملل، تا این جا برجسته ترین شخصیت دکان دمکراسی غربی، اوپاما را در کنار بوش گذاشت و پرونده عوامفریبی پوپولیستی او را هم بست و زیربغلش داد.

میفرمایند که دولت اسرائیل، بعنوان دولت رسمی "قوی و قدرتمند و مسلح و پولدار" و عضو سازمان ملل، باید بر سر میز مذاکره با فلسطینی ها بنشینند. دولتی که از بدو تولد جنایت و کشتار طبقه کارگر و کمونسم باز میشود.

۲۱ سپتامبر ۲۰۱۱

"برای پایان دادن به اشغال و ...

ارزشمند در تاریخ اسرائیل و فلسطین است.

اعتراضات وسیع در اسرائیل توجه جامعه و خصوصا افشار پلین مردم به معضلات واقعی که دامنگیر آنها است را جلب کرد. این اعتراضات که مهر تاثیر تحولات انقلابی در نینای عرب را بر خود دارد، با برداشتن پرده سیاه دشمنی قومی و مذهبی، با پیش کشیدن مسائل و معضلات واقعی زندگی و معیشت مردم، عملا سوراخ بزرگی بر دیوار مهندسی شده دولت صهیونیستی اسرائیل وارد کردند. دولتی که سالهاست با ایجاد دشمنی قومی و مذهبی و اشاعه تعصبات کور توانسته است، هر جنایتی را علیه مردم فلسطین توجیه کند. جنگ چند ده ساله اسرائیل علیه مردم فلسطین، کشتار و آوارگی و بی خانمائی آنها، بر پایه یک کینه عمیق مذهبی و قومی ممکن شده است.

دولت اسرائیل بر اساس تحمل دشمنی کور به عنوان یک دولت قومی و فاشیستی، نه تنها سر پا مانده است، بلکه توانسته است زندگی چندین نسل از مردم فلسطین را به تباهی بکشد. حصاری که دور اسرائیل بر مبنای دفاع از قوم یهود توسط دولت صهیونیستی کشیده شده است و دشمنی با اعراب و مسلمانان را بر اساس مذهب و قومیت شکل داده است، امروز با اعتراضات وسیع و رادیکال در اسرائیل، با اعتصابات کارگری، با چادر زدن جوانان و مردم در میدانی شهرها، و بننبال با بیانیه مشترک ۱۸ گروه اسرائیلی و فلسطینی ترک برداشته است.

تحولات انقلابی در نینای عرب، انقلاب در مصر و تونس، نه تنها لرزه بر اندام دولتهای مرتجع عرب انداخته

است، بلکه همزمان دامنه نفرت قومی و مذهبی را در منطقه و از جمله میان مردم اسرائیل و فلسطین کاسته است. امروز جوانان اسرائیل در جریان اعتراضات خود به سبک جوانان مصر و تونس در میدانی شهرها چادر زدند و بر باندرولهای خود نوشتند، "مثل یک مصری راه برو". تحرکات اخیر اسرائیل، پیش کشیدن مطالبات واقعی مردم و خواست عدالت اجتماعی در این جامعه، همراه خود به همسرنوشتی طبقه کارگر و مردم محروم در اسرائیل و فلسطین دامن زده و زمینه همکاری و دوستی و صدور بیانیه مشترک و طرح مطالبات مشترکی چون محکوم کردن اشغال فلسطین را ممکن کرده است. اگر امیدی به حل مسئله فلسطین باشد، دیگر نه دول فاسد اروپایی و پانویهای آنها، نه دولت آمریکا و سازمان ملل و نه دولتهای فاسد و مرتجع عربی، که مردم متمدن و طبقه کارگر اسرائیل و فلسطین و دوستی و همکاری و دفاع آنها از همدیگر است. این آن اتفاقی است که دولت قومی فاشیستی اسرائیل را افسار خواهد زد و دست جریانهای مذهبی و جنایتکار از قماش حماس و جمهوری اسلامی و دولتهای مرتجع عرب را کوتاه و سازمان ملل و دولت جنایتکار آمریکا را میتواند به تسلیم و گردن نهادن به خواست مشترک مردم اسرائیل و فلسطین وادار کند.

تلویزیون پرتو

تلویزیون پرتو روزهای جمعه ساعت ۶ تا ۷ بعد از ظهر به وقت تهران از کانال KBC روی ماهواره هات برد پخش میشود.

فرکانس پخش

HOTBIRD
DL freq.: 11604 Ghz
FEC: 5/6
Pol.: H
SR: 27500
HB: 8
TP: 155

نشریه حزب کمونیست کارگری حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی
www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید



زنده باد سوسیالیسم